تاریخ دریافت مقاله: ۹٤/۲/۳۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۹٤/۵/۲۵

گاه‌های آفرینشی در برخی از فرش‌های شیری فارس

آزاده پشوتنی زاده
دکتری پژوهش هنر، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
E-mail: pashootanizadeh@gmail.com

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

چکیده

عنصر مشترک در فرش‌های شیری فارس، شیر (نماد دلاوری) است و گاهی بدان شمشیر (نماد قدرت و جنگ)، خورشید کامل یا نیمه که تعابیری چون شمس‌الدین (خورشید دین/ لقب حضرت علی(ع)) را برایش در نظر می‌گیرند، افزوده می‌شود. علاوه بر تصویر شیر و خورشید، تصاویر حملهٔ شیر به گاو که در هنر ایران سابقهٔ طولانی دارد، به نحو دیگری در فرش‌های شیری فارس جلوه‌گر می‌شود. تقویم، تغییر فصول و گردش کواکب عامل تأثیرگذاری بر نمادپردازی‌های هر دوره بوده است. ایزدبانوان و ایزدان خورشیدی و آبی، در آسمان و زمین، نماد خاص خود را داشته که شکل لاهوتی و ناسوتی ایشان در ارتباط با مفاهیمی همچون حرکت اجرام سماوی (مهر/ خورشید، زهره، تیر، بهرام) و حیواناتی چون شیر و گاو می‌باشد؛ ازاین‌روی ترکیب شیر و گاو، به لحاظ صور فلکی، خاص استان فارس (اقلیم سوم) است و تصویر شیر و خورشید نیز خاص دیگر نقاط ایران (اقلیم چهارم) می‌باشد. تصویر شیر و خورشید اقلیم چهارم در مطابقت‌های کیهانی و نجومی، در واقع ترجمهٔ دیگری از شیر و گاو اقلیم سوم است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی ـ توصیفی است و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی (تصویری/ آثار هنری) صورت گرفته است تا وجوه اشتراک این مهین‌الهه‌گان در جوامع کهن و ریشه‌های هنری و تصویری مشترک میان آناهیتا، مهر، تیر و بهرام مشخص شود؛ چراکه این ایزدان، بر هم تأثیر و تأثرات متقابلی داشته‌اند و نمود مینوی وظایفشان در جشن‌های آفرینش، صور فلکی و سپس بر کالبد فرش‌های شیری فارس ظهور یافته است.

واژه‌های کلیدی: ناهید، مهر، تیر، بهرام، گهنبار (جشن‌های آفرینش)، فرش‌های شیری فارس

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

مقدمه

در طول تاریخ، همواره سبک زندگی آدمیان بر نحوهٔ نگرش و نمادپردازی‌هایش تأثیر نهاده است. اعتقاد به نیروهای ماوراءالطبیعه و تسلط بر طبیعت، اصول ادیان کهن را شکل بخشیده است. نظام دینی ایران باستان نیز بر پایهٔ ایزدان و ایزدبانوانی قوام یافته که نه تنها دارای نیروهای مافوق بشری، بلکه در آسمان در قالب اجرام سماوی و در زمین به اشکال حیوانی شیر و گاو، کنترل طبیعت را در دست گرفته‌اند. گذر روزها و تغییر فصول به‌صورت جدال دائمی یا پیوستگی این نیروهای ماوراءالطبیعه به یکدیگر تعریف می‌شود. اهمیت فصل‌ها در اقتصاد و تقویم کشاورزی و دام‌پروری ایران، سبب‌ساز این طرز نگرش و نهایتاً شکل‌گیری نمادهاست. در این نوشتار، تلاش شده است ارتباط میان ایزدان و ایزدبانوان با صور فلکی و جشن‌های آفرینش تقویم ایرانی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا ریشهٔ شکل‌گیری نمادهایی چون شیر و گاو، و شیر و خورشید بر پایهٔ سبک زندگی و دیدگاه‌های دین‌باوری، نجوم و تقویم ایرانی مورد شناسایی قرار گیرد. با توجه به اینکه شیر، نقش غالب فرش‌های شیری فارس است، ارتباط شیر با گاه‌شماری‌های ایران در اقلیم سوم (فارس در تقسیمات هفت‌گانهٔ نجومی) برای شناسایی معانی نهفتهٔ نمادهای فرش شیری فارس ضروری به نظر می‌رسد. این مهم با شناسایی سبک زندگی ایرانیان و اعتقادات دینی ایشان میسر خواهد شد.

آب در ایران

تقدس آب در دوران باستان همگام با مبارزهٔ کشاورزان با خشکسالی و تقدیس ایزدبانوی ناهید است. قداست آناهیتا، عامل شکل‌گیری نمادها و ارتباطشان با صور فلکی است (پرهام، ۱۳۷۸، ٤۱). این ایزدبانو در متون پهلوی و بندهش بزرگ به‌صورت «آناهیدِ اباختری»، یعنی سیارهٔ ناهید/ زهره (دومین از لحاظ فاصله تا خورشید و در آسمان سوم است) (یاحقی، ۱۳۸٦، ٤۳۲)، آمده است (بویس، ۱۳۸۱، ۷۲٤).

ایشتار و آناهیتا/ ناهید

در منابع تاریخی آمده است که مادها و پارس‌ها پیش از گرویدن به دین زرتشتی، الههٔ سیارهٔ زهره/ ونوس را می‌پرستیدند (بویس، ۱۳۸۱، ۷۲۸). ایشتر در نزد مردم اکد، تجسم سیارهٔ زهره (ناهید، آناهیتا) بود (وارنر، ۱۳۸٦، ۲۲۳). در منابع توراتی، زهره با عناوین «ایشتار»، در عهد عتیق «عشتاروت»، «عشروت» و «ناهید» آمده است (یاحقی، ۱۳۸٦، ٤۳٤). نماد ایشتر «ستارهٔ هشت‌پر» و «شیر» است (جلیلوند صدفی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) و با سیارهٔ ونوس همسانی دارد (فره‌وشی، ۱۳۷٤، ۱۸۷) (تصاویر شمارهٔ ۲ الف و ۲ ب).

ایزدبانوی ناهید، ایزدبانوی حمایتگری در جنگ‌ها و مؤثر بر زندگی کشاورزی و دام‌پروری است؛ ازاین‌روی تقویم نجومی و ثبت حرکت اجرام سماوی جزء لاینفک زندگی ایرانیان محسوب می‌شده است. در گذشته، حرکت کواکب هفت‌گانه (خورشید، ماه، زحل، مشتری، زهره، عطارد، مریخ) در منطقةالبروج حرکتی مستقیم پنداشته می‌شد و هریک از این سیارات یا کواکب برای گذار کامل از منطقةالبروج به مدت زمانی متفاوت نیاز داشت. این زمان برای خورشید و دو ستارهٔ عطارد و زهره یک سال و برای مریخ حدود دو سال خورشیدی بوده است (فرشاد، ۱۳٦۵، ۱۵۵)؛ بنابراین، خورشید و زهره و عطارد، مدار یک‌ساله دارند؛ ازاین‌روی، دومین ایزد آبی، تیر/ عطارد، ستارهٔ فلک دوم، با ناهید پیوستگی تام دارد. تیر در اصل با تیشتر ایرانی مشترک است و حتی برخلاف مشهور، واژهٔ عطارد که به نظر می‌رسد عربی باشد، به قولی از ریشهٔ فارسی و به‌معنی «بهترین داور برانگیخته»

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

است (یاحقی، ۱۳۸٦، ۲٦۳). وی ایزد نگهبان باران است (پیشین، ۲٦۱). اخترشماران دربارهٔ اختران اعتقاد دارند که هر اختر شکلی زمینی دارد؛ چنان‌که گاو تن، نماد زمینی تیشتر (تیر) است (محمودی، ۱۳۸٤، ۱٥٤). تجسد گاو با شاخ‌های زرین تیشتر برابر با تجسد بهرام است که البته این تقارن اتفاقی نیست (پوپ، و اکرمن، ۱۳۸۷ ، ۹۹۱).

خورشید (مهر)

میترا صاحب چراگاه‌های وسیع است و خدای خورشید نام دارد (ماسون و پوگاچنکووا، ۱۳۸٤، ۹۹).

پس از رواج آیین زرتشت، آیین بومی ـ ایرانی میترائیسم با باورهای زرتشتی آمیخته شد و افول کرد؛ ولیکن ایزد مهر/ خورشید (میترا، خدای مذهب مهرپرستی) همراه با ایزدبانوی آناهیتا (ناهید) در دین زرتشت پذیرفته شد (بختورتاش، ۱۳٥۱، ٤۰).

شباهت مهر و ناهید در ارتباط با بهرام

آناهیتا، چشم مهر است و در اوستا نیز از میترا به‌عنوان چشم اهورامزدا یاد می‌شود (اخویان و آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ۳۲).

با خوانش آبان‌یشت درمی‌یابیم که آب و روشنایی از یک منبع و سرچشمه هستند (آبان‌یشت، بند ۹۰). بنا بر بند ۹۱ یشت‌ها، ستایش و نیایش ناهید نیز فقط باید در هنگام حضور خورشید و در روشنایی باشد که این خود نشان‌دهندهٔ ارتباط معنوی بین آب و روشنایی است (قلعه‌خانی، ۱۳۸۲، ۱۷۳). تندیسک‌هایی از ناهید هست که فرزندش مهر را روی زانو نگاه داشته و در حال شیردادن به اوست (ثمودی، ۱۳۸۷، ٦٦). بر این اساس، «مهر سوشیانس از مادرش ناهید در میان یک تیرهٔ سکایی ایرانی در شرق ایران زاییده شد» (مقدم، ۱۳۸۸، ٥۹).

دربارهٔ ایزد مهر توصیفی رفته است که ارتباط ناهید و مهر را دقیق‌تر توصیف می‌کند: «مهر، همیشه به پا ایستاده است، دلیری که آب‌ها را زیاد کند، باران ببارانـد، گیاهان را برویانـد و آفریدهٔ کردگار» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۱۳٦ و ۱۳۷). بر روی سکه‌هایی که از کوشان به دست آمده، تصویر ناهید بر روی شیر نقش شده است (دوشن گیمن، ۱۳۷٥، ۲۸٤). در مُهرهای آشوری و همچنین در نقاشی‌های قصر ماره (متعلق به هزارهٔ دوم)، شیر به‌عنوان یکی از متعلقات زهره تصویر شده است. در ادبیات مذهبی، زهره، شیر شرزه یا ماده‌شیر خدایان آسمان خوانده می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷، ٤۸۷). از طرف دیگر، شیر یکی از نمودهای مهم جانوری مهر است (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱٥). شیر در معابد میتراییسم و ناهید پرورش می‌یابد؛ برای مثال، در سرزمین ایلام پرستشگاهی برای آناهیتا ساخته شده بود که در آن شیران اهلی نگهداری می‌شدند. این شیران رام‌شده، به پیشواز کسانی می‌آمدند که وارد پرستشگاه می‌شدند (عابددوست و آیت‌اللهی، ۱۳۸۹، ۱۰۳) یا به نقل از پلینی، در شوش معبدی به نام تازارا قرار داشت که مکان مقدسی برای آناهیتا به شمار می‌رفت و شیرهای رام‌شده در آن به آزادی در رفت و آمد بودند (ثمودی، ۱۳۸۷، ٦٤) (تصاویر ۱ الف و ۱ ب).

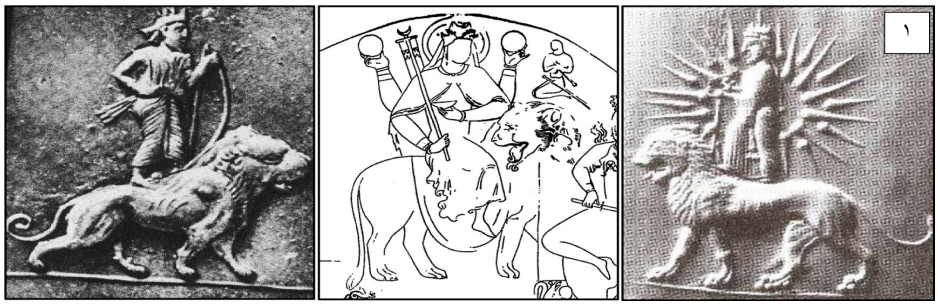
با توجه به آبان‌یشت، یشت‌ها و دیگر متون دینی، مهر و ناهید با یکدیگر پیوستگی تام دارند. گاهی در نقش چشم هستند. گاهی ناهید، نقش مادری را برای مهر ایفا می‌کند و گاهی کرهٔ خورشید (مهر)، سرچشمهٔ ناهید می‌شود. اما در افسانه‌های بابلی قالب مهر با تموز و قالب ایشتر با ناهید مطابقت می‌یابد که گاهی مهر با خنجر بر شیر سوار است و گاهی ناهید حربه به دست، سوار بر شیر است. داشتن یک حربهٔ برّان در دست مهر و ناهید، این ایزدان را به ایزد بهرام شبیه کرده است (تصویر ۱ ج). شیر که در معابد مهر و ناهید به گونه‌ای سمبولیک حضور دارد، وجه

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

اشتراک دیگر مهر و ناهید است. جنبهٔ جنگاوری مهر و ناهید و بهرام، موضوع دیگری است که به آن خواهیم پرداخت. در بابل و آشور، ایشتر را غالباً حربه به دست و سوار بر شیر مجسم می‌کردند (پاکباز، ۱۳۸۱، ۹۷۳).

در ایران باستان، به‌جز ایزد مهر، ایزد خورشیدی دیگری نیز وجود دارد که همان ورثرغنه (بهرام) است. وی در چندین صورت تجسم می‌یابد. مهم‌ترین جلوهٔ بهرام، نگاره‌ای انسانی است با شمشیری از تیغهٔ طلایی و با تزیینات بسیار که مشابه خنجر مهر (یا سلاح‌های دیگر) و در همان معنای رمزی است. ایزد ـ خورشید بهرام، در طول رواج آیین مهر همیشه یار و همراه ایزد مهر بوده است (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱٤).

در اوستا نیز خویشکاری جنگاوری، از آنِ مهر و بهرام است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۱۳۹). پلوتارک و هرودت از ناهید به‌عنوان الههٔ جنگ نام برده‌اند (کارنوی، ۱۳٤۱، ۳٤).



تصویر ۱ سمت راست (الف). ایزد مهر/ میترا با شعاع‌های خورشیدگون به دور سر، سوار بر شیر، (نمادی از شیر و خورشید، شیری که خورشیدی مشعشع را بر پشت خود دارد)، موزهٔ لندن (جدّی، ۱۳۸۸، ۵۶)

تصویر ۱ میانه (ب). ایزدبانوی ناهید، سوار بر شیر، پنجکند (نقاشی دیوار انتهایی اتاق پذیرایی خانه‌ای شخصی)، بخش ۲۵، اتاق ۱۲ (رنه و مارشاک، ۱۳۸۱، ۸۸۸).

تصویر ۱ سمت چپ (ج). ایزد خورشیدی بهرام در قالب تصویر ایزد خورشیدی مهر/ میترا ظاهر شده است. خورشیدی‌بودن ایزد بهرام و یاریگری وی به ایزد مهر، مسبب تصویرسازی وی به‌صورت سوار بر شیر و مسلح می‌باشد، وگرنه نماد ایزد بهرام، شیر است (گیرشمن، ۱۳۷۰، تصویر ۵۳۹)

جدول ۱. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

	مهر	ناهید	بهرام
خورشید	*	سرچشمه‌گرفتن اردیسورآناهیتا از کرهٔ خورشید	ایزد خورشیدی
خنجر یا حربه	*	*	*
جنگ	*	*	*

(منبع: نگارنده)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

شباهت مهر و عطارد

خورشید در آسمان حرکت سه‌مرحله‌ای دارد (پرهام، ۱۳۷۱، ۲۹۸) و در آیین مهر، ایزد مهر مظهری سه‌گانه داشت؛ لذا پرستش او در بین همهٔ طبقات اجتماعی (ارتش‌داران، روحانیان، کشاورزان و پیشه‌وران) باعث گسترش آن می‌شد (موسوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۲٤). مشابه همین الگو را می‌توان در داستان‌های ادریس پیامبر یافت. هرمس معرب آرمس است، به معنی تیر یا عطارد (یاحقی، ۱۳۸٦، ۸٦). هرمس نام ادریس پیغمبر است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۵۲). تقسیم زمین و نیز تقسیم آدمیان به سه طبقه (روحانیان، لشکریان و کشاورزان) به وی منسوب است (انبیاء، ۸۵). او را خداوند کشت و گلّه معرفی کردند (یاحقی، ۱۳۸٦، ۸٦)؛ چنان‌که ایزد مهر در مهریشت موکل گلّه و دارندهٔ چراگاه‌های فراخ است (مهریشت، بند ۲٤ و ٦۰).

در قرآن (مریم، ٥٦) به داستان ادریس(ع) به اجمال اشاره شده است. ادریس ۳٦٥ سال در زمین بزیست. فقط یک ساعت جان از او جدا شد و آن، هنگام افطار (غروب آفتاب) بود. داستان ادریس از جهاتی روایات مربوط به مهر را به یاد می‌آورد: ۳٦٥ سال عمر، قبض روح به هنگام غروب خورشید، اهمّ این ارتباط‌ها را مشخص می‌کند. شاید همین شباهت‌های مختصر موجب شده است که برخی به آمیزش قصص ادریس با اساطیر مهری اشاره کنند (یاحقی، ۱۳۸٦، ۸۷). از طرفی، ۳٦٥ عددی است که به روزهای یک سال خورشیدی و مطابق با تقویم ایرانی اشاره دارد. با درنظرگرفتن مدار یک‌سالهٔ زهره، عطارد و خورشید/ مهر، می‌توان توجیه مناسب نجومی برای این وجوه تشابه در نظر گرفت.

جدول۲. طبقه‌بندی صور فلکی خورشید، عطارد و مریخ، همسان با تقویم کشاورزی [طبق اطلاعات فوق]

روزی	هم روزی و هم شبی [۱]	شبی
مهر/ خورشید	تیر/ عطارد	بهرام/ مریخ و ناهید/ زهره

(منبع: نگارنده)

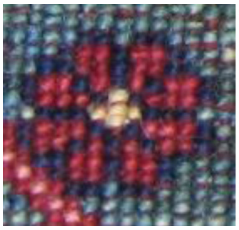
جدول ۳. طبقه‌بندی صور فلکی خورشید، عطارد و مریخ، همسان با تقویم کشاورزی [طبق اطلاعات فوق]

خورشیدی	هم خورشیدی و هم آبی	آبی
مهر/ خورشید و بهرام/ مریخ	ناهید/ زهره: سرچشمه‌گرفتن رود اردیسورآناهیتا از کرهٔ خورشید	عطارد

(منبع: نگارنده)

ناهید، ایزد خورشیدی و آبی است و تیر، ایزد روزی و شبی است؛ اما مهر، ایزد خورشیدی و روزی است و بهرام، ایزد خورشیدی و شبی است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]





تصویر ۲ سمت راست (الف). بخشی از تصویر سنگ مرز که هدیهٔ سرزمینی در جنوب بابل می‌باشد و نگاره‌هایش نماد ایزدان است (وارنر، ۱۳۸۶، ۲۳۳ و ۲۴۹). شکل ستارهٔ هشت‌پر نماد ناهید یا زهره است. میانی، ماه و شکل سمت راست، کرهٔ خورشید که اردیسورآناهیتا از آن به‌صورت رود/ امواج منحنی سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین، علامت چلیپای چهارپر نماد خورشید است؛ یعنی اگر نماد مشترک مهر و ناهید، شیر، حامل نماد چلیپا باشد، شیر مهری است و در غیر این صورت، شیر ناهید است. مشابه همین نمادپردازی در تصویر ایزد شَمَش (ایزد خورشید) که سه شخصیت کهتر، وی را تکریم می‌کنند دیده می‌شود (پیشین، ۲۳۳ و ۲۴۰).
تصویر ۲ سمت چپ (ب). نماد ستارهٔ هشت‌پر ناهید، بخشی از فرش شیری فارس، مجموعهٔ خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

احکام کیهان و نجوم

ابوریحان راجع به تقسیمات هفت‌گانهٔ زمین می‌نویسد: از پارسیان تقسیم‌بندی خاصی موجود است که بانی آن را هرمس حکیم می‌دانند. آن‌ها زمین را به هفت قسمت کرده و هریک را کشور می‌نامیدند که به‌صورت دایره‌هایی به هم متصل بودند (بیرونی، ۱۳۱۶–۱۳۱۸، ۱۹۶). علاوه بر آن، ایرانیان تقسیمات هفت‌گانه را برای اختران و آب و خورشید نیز قائل بودند.

هفت‌اختر شامل ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل است که هرکدام در یک طبقه از آسمان قرار دارند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۷۹). از دورهٔ ساسانی مسئلهٔ هفت‌طبقگی آسمان مطرح می‌شود که هر طبقه به یکی از سیارات هفت‌گانه تعلق داشته است (پیشین، ٤٥). آب نیز تحت تأثیر آبای سبعه (هفت‌اختر) قرار داشت (پیشین، ٦). علاوه بر آب، شعاع‌های خورشید نیز از هفت شعاع تشکیل یافته است که به شش بُعد فضا و بُعد فوق کیهانی مرتبط می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷، ۱۱۸).

در این تقسیمات هفت‌گانه، تقسیمات زمین را در ارتباط با هرمس/ عطارد می‌دانستند. خورشید و آب نیز با اجرام هفت‌گانهٔ سماوی مرتبط بودند. به طور کلی، عطارد/ ایزد تیر، خورشید/ ایزد مهر، آب/ ایزدبانوی ناهید/ سیارهٔ زهره که هر سه مدار یک‌ساله دارند، با تقسیمات هفت‌گانه مرتبط‌اند که در جدول شمارهٔ ٤ به اختصار آمده است.

جدول ۴. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

	روزی	خورشیدی	شبی	آبی	سه‌طبقگی مردم	زمان یک‌سالهٔ گذار از منطقةالبروج	دارای تقسیمات هفت‌گانه	نماد زمینی
ناهید (زهره)		*	*	*		*	*	شیر (بی‌علامت) [۲]
تیر (عطارد)	*		*	*	*	*	*	گاو
مهر(خورشید)	*	*			*	*	*	شیر (با چلیپای چهارپر)
بهرام (مریخ)		*	*					گاو

(منبع: نگارنده)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

ابتدا به تقسیمات هفت‌گانهٔ زمین می‌پردازیم.

قدما [۳] زمین را از پهنـــا (عرض جغرافیایی) به هفت قســـمت کرده‌اند که از شـــرق به غرب کشیده شـــده‌اند و شـــمال یکـــی، جنوب دیگری اســـت و معتدل‌ترین آب و هـــوا را در اقلیم چهارم نام برده‌اند (پاپلی یزدی،۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲۰).

تقسیمات هفت‌گانهٔ زمین (اقلیم‌های هفت‌گانه) به ســـیارات و ستارگان مرتبط و رؤیت فلکی در آسمان، مربوط به گردش وضعی و انتقالی زمین است؛ چنان‌که بعضی از دانشمندان، ازجمله مسعودی، هفت‌اقلیم را منسوب به سیاره‌ها و ستاره‌ها دانسته‌اند. عادت انتساب این اقالیم به صور فلکی و ســـیارات این بوده که این صور فلکی با این سیارات در این اقالیم بهتر و واضح‌تر دیده می‌شده‌اند؛ برای مثال برای اقلیم سوم گفته‌اند که برج آن تیر و ستارهٔ آن عطارد است که منظور از برج، صورت فلکی است که زمین از مقابل آن عبور می‌کند و ظاهـــراً باید علت امر آن باشـــد کـــه صورت فلکی سرطان (تیر) در اقلیم سوم بهتر دیده می‌شده است و سیارهٔ عطارد نیز در این ماه از این صورت فلکی عبور می‌کرده اســـت. در کتب مختلفی مانند مروج‌الذهب و التنبیه و الاشراف آمده است که اقلیم سوم منسوب به برج ســـرطان (تیر) و ستارهٔ عطارد بوده (گهنبار تیر و آفرینش آب) و اقلیم چهارم منســـوب به برج اسد و ستارهٔ آن خورشید است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲۲ و ۲۳).

نمونه‌ای از پیوستگی ناهید با صور فلکی و تفاوت آن در اقالیم ســـوم و چهارم را می‌توان در معابد ناهید یافت:

در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر نسا (عشق‌آباد) [اقلیم چهارم] معبد آناهیتا با ابعاد بیست‌متری (همسان با ستاره‌های بیست‌گانهٔ برج اسد) در کلات پنج‌گوش همســـان با پنجمین ماه سال (شـــیر) بر مطابقت‌های نجومی صحه می‌گذارد؛ [٤] اما معبد آناهیتای ساسانی در بیشاپور فارس [اقلیم سوم] با اضلاع چهارده‌متری (مضرب دو/ به سبب دیوار دوجدارهٔ معبد، برای هفت ســـتارهٔ برج سرطان) با نماد گاو که نماد تیر/ عطارد و بهرام است، آذین شده (ثمودی، ۱۳۸۷، ۳۲ و ۳۳).

با توجه به نوشـــتار فوق می‌توان جدول شمارهٔ ۵ را نتیجه گرفت.

جدول ۵. مشترکات مهر، ناهید و بهرام [طبق اطلاعات فوق]

اقلیم	ستاره یا سیاره	نماد ستاره یا سیاره	ماه	گهنبار	نماد تصویری
چهارم	خورشید/ مهر	شیر	مرداد	؟	شیر و خورشید [۷]
سوم	عطارد/ تیشتر	گاو	تیر	آفرینش آب	شیر و گاو

(منبع: نگارنده)

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

حال باید به این مسئله پرداخت که نقش شیر و خورشید چگونه شکل گرفته است و چرا به فرش‌های خطهٔ فارس ورود یافته‌اند؟ جواب این مسئله در تفاوت میان اقلیم‌های سوم و چهارم است که به لحاظ تقسیمات جغرافیایی متفاوت‌اند. فارس در اقلیم سوم قرار دارد. یعنی تصویر شیر و گاو در تخت‌جمشید (گهنبار آفرینش آب) معادل تصویر نجومی و زمان تقویمی شیر و خورشید در دیگر نقاط ایران آن زمان بوده است و پس از آن نیز نقش شیر و خورشید استمرار یافته و به حیات خود ادامه داد. در تصاویر ۱۲ و ۱۳ که البته هر دو (ری و کلاردشت مازندران) مربوط به نواحی اقلیم چهارم هستند، الگوی اولیهٔ شکل‌گیری نقش شیر و خورشید دیده می‌شود.

بین اقلیم سوم و چهارم درمورد طول سایه اختلافی به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در اقلیم سوم، حد شمالی آن دارای طول سایه‌ای برابر با ٤ و ۱۵/۱۰ گام منظور شده است، درصورتی‌که باید با یکدیگر برابر باشند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۵۹). این در حالی است که شیر (برج اسد/ مرداد) و ستارهٔ آن (خورشید) در اقلیم چهارم صحیح است؛ درصورتی‌که در اقلیم سوم، تیر/ عطارد و برج آن تیر صحیح و بیانگر گهنبار تیر و آفرینش آب خواهد بود. اقلیم سوم شامل چین، ترکستان، بخشی از هند، سند، کابل و قندهار، جنوب ایران (سیستان و کرمان، پارس/ فارس، سپاهان، اهواز/ خوزستان)، بصره، کوفه، عراق، شام، مصر، اسکندریه، مغرب، طنجه و دریای محیط می‌باشد (پاپلی یزدی،۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، ۲٦).

این اشتباه از آنجا رخ می‌دهد که فارس در اقلیم سوم و باقی قسمت‌های ایران در اقلیم چهارم [۵] قرار دارد؛ البته تقسیمات دیگری از مقدسی و اصطخری وجود دارد که در آن‌ها نیز خطهٔ فارس از باقی ایران جدا شده و به‌عنوان اقلیم عجمی معرفی گردیده‌اند.

برای مشخص‌شدن گاه‌های آفرینش (گهنبارها)، نیاز به شناسایی تقویم پیش از اسلام و معرفی زمان هر گهنبار می‌باشد.

تقویم و روزها

در گاه‌شماری یزدگردی، نام هر روز از ماه به نام خدا یا فرشته‌ای یا سیاره‌ای که خوب است، اختصاص یافته و اصلاً هفته وجود نداشته است (صفی‌پور، ۱۳۸۸، ۵۳). چون مرکز خورشید با مرکز زمین فاصله دارد، مقادیر فصول سال باهم متفاوت است و اگر مرکز هر دو یکی بود، هر چهار ربع باهم مساوی بود (داناسرشت، شهریور ۱۳۵۰، ۷۰)؛ بنابراین، در فصل اول وندیداد، بند ٤ آمده است: «در آریاویچ پنج ماه زمستان است. در آنجا کانون زمستان است.»

در کتاب پهلوی بندهش، فصل بیست‌وپنجم، فقرهٔ هفتم آمده است: «از هرمزد روز در فروردین‌ماه تا انیران روز در مهرماه، هفت ماه تابستان است و از هرمزد روز در آبان‌ماه تا انیران روز در اسفندماه و انجام پنجه وه، پنج ماه زمستان است» (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۲۷).

در طول تابستان بزرگ، سه گهنبار (جشن آفرینش: آسمان، آب و زمین) برگزار می‌شود: یک گهنبار (جشن آفرینش گیاه) در تغییر فصل برگزار می‌گردد که از اتمام تابستان بزرگ و آغاز زمستان بزرگ خبر می‌دهد؛ دو گهنبار دیگر (جشن آفرینش: جانور و انسان) در زمستان بزرگ برگزار می‌شود که البته گهنبار آفرینش انسان متعلق به پنج روز آخر سال (کبیسه) است.

گهنبارها، گاه‌های آفرینش

گاهنبار یا گهنبارها، جشن‌های آفرینش هستند (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۳۱).

اهورامزدا در سنت مزدیسنا، جهان را در شش مرحله بیافرید و در مدت یک سال. پس از هر مرحلهٔ آفرینش، اهورامزدا پنج روز می‌آسود و آنگاه مرحلهٔ

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

بعد آفرینش آغاز می‌شـــد (یاحقی، ۱۳۸٦، ۵۳ و ٥٤). همچنین در روایات اسلامی هست که خداوند جهان را در شش روز آفرید (هود، ۷).

۱. میدیـــوزرم گاه (آفرینـــش آســـمان): در چهل‌وپنجمین روز سال، شروع از روز خور تا دی به مهر در ماه اردیبهشت؛

۲. میدیوشهم گاه (آفرینش آب): در صدوپنجمین روز سال، شروع از روز خور تا دی به مهر در ماه تیر؛

۳. پیته‌شهم گاه (آفرینش زمین): در صدوهشتادمین روز از سال، شروع از روز اشتاد تا انارام در ماه شهریور؛

٤. ایاسرم گاه (آفرینش گیاهان): در دویست‌ودهمین روز از سال، شروع از روز اشتاد تا انارام در ماه مهر؛

۵. میدیاریـــم گاه (آفرینـــش جانـــوران): در دویســـت‌ونودمین روز ســـال، شـــروع از روز مهر تا ورهرام در ماه دی؛

٦. همس پت میدیم گاه (آفرینش انسان و برابری روز و شب): در سیصدوشصت‌وپنجمین روز از سال، کبیسهٔ آخر سال و ماه اسفند (فلاح، ۱۳۸۲، ٥٦).

میدیوشـــهم گاه، دقیقاً میانهٔ تابستان بزرگ است. پیته‌شهم گاه، بدون احتســـاب کبیسه، دقیقاً میانهٔ سال است. ایاســـرم گاه، پایان تابستان بزرگ و تغییر فصل به زمســـتان بزرگ (میانهٔ ســـال در تقویم کشاورزی) اســـت. میدیاریم گاه، دقیقاً میانهٔ زمستان بزرگ است (هفتادوپنج روز از زمستان بزرگ سپری شده، پنج روز گهنبار برگزار می‌شود و پس از اتمام گهنبار، هفتادوپنج روز دیگر تا انتهای سال مانده است).

شیر در فرش فارس

شـــیر در فرش فارس به پنج صورت دیده می‌شـــود: الف. شیر با خورشید کامل و شمشیری در دست؛ ب. شیر با خورشید نیمه؛ ج. دو شیر در مقابل یکدیگر به همراه نمادی از ناهید؛ د. شـــیر بزرگ‌تر از گاو یا بز، قرارگرفته در پشت ســـر وی؛ هـ. شیر تنها [با شمشیر یا بدون آن].

دربارهٔ شـــیر و فرم نمادیـــن آن، در ادوار پیش از اســـلام به تفصیل ســـخن رفت، اما در ادوار اسلامی، شـــیر معانی متفاوتی می‌یابد؛ مثـــلاً در عصر صفویه، اســـتفادهٔ نمادین از خصایص و نمادهای شـــیر را به حضرت علی(ع) [٦] منســـوب می‌دانستند (طاهری و حسامی، ۱۳۹۰، ٤) و دلایلی از این قبیل که چون امام اول از جنگاوران تراز اول اســـلام بودند و در اســـلام به‌ویژه در بین شـــیعیان به اسدالله (شیر خدا) و حیدر کرار (شـــیری که دمنده است) مشهور و ملقب است، قیـــد می‌کردند. بدین ترتیب نگاره‌های این امام، همان شـــیر نشسته و شمشیری بر دســـت، کشیده می‌شد و هنوز هم گاهی این نقش دیده می‌شود. شیر و خورشید بیانگر جنگاوری و زورمندی این امام است. سیف‌الله (شمشیر خدا) نیز یکی دیگر از القاب علی ابن ابیطالب می‌باشد. این نگاره رفته‌رفته تغییراتی یافت: نگارهٔ امام به خورشید بدل گشت، آن‌هم به این دلیل که امام اول به شمس‌الدین، یعنی خورشید دین نیز خوانده می‌شد و شمشیر به دست شیر افتاد که کرار و خروشان بودن آن را بیشتر نمایان می‌سازد (نوری، ۱۳۷۸، ۳۸). گاهی نیز این نشـــانه را با برخـــی از قصص و روایات دینی مشـــابهت می‌دهند و آن را به سلیمان و دانیال نبی(ع) که مظهر اقتدار و حشـــمت اســـت، منسوب می‌کنند (یاحقی، ۱۳۸٦، ۵۳۵).

این نمونه از شـــیر و خورشـــید کامـــل، یکی از گونه‌های رایج فرش شـــیر و خورشـــیدی فارس را تشـــکیل می‌دهد. اگـــر این نماد نمـــودگار معنایی از بزرگان شـــیعه (به‌ویژه قدرت علـــوی) یا به حضرت ســـلیمان(ع) و دانیال نبی(ع) مرتبط اســـت، پس چرا باید بر فرش‌هایی که به زیر پا انداخته می‌شوند نقش بندد؟ این تعبیر حداقـــل برای نقش‌های فرش فارس نمی‌تواند صادق باشـــد؛ چراکه حفظ حرمت بزرگان شیعه و پیامبران واجب است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

در منابع موثق دیگر راجع به نقش شیر و خورشید نیمه، به همراه شمشیر یا بدون آن آمده است. در ادوار بعد از صفویه، خورشید به‌صورت نیم‌دایره و چسبیده به پشت شیر ترسیم شده است که این امر را هم معلول شتابکاری نقاشان دانسته‌اند. در دورهٔ قاجاریه، شیر با شمشیری که نشانی از ذوالفقار حضرت علی(ع) است، تصویر می‌گردد (پیشین، ٥٣٤).

این نمونه نیز در فرش فارس مشاهده می‌گردد که بازهم با همان مشکل بی‌حرمتی به بزرگان دین مواجه می‌شویم.

شیر و خورشید بر سکه‌های غیاث‌الدین کیخسرو، پادشاه سلجوقی، نقر شده بود و سکه‌زنان نیز کم‌کم خورشید را پایین‌تر آورده و به‌صورت نیم‌دایره به پشت شیر چسبانیدند. پس از وی نیز غازان‌خان و سلطان‌محمد خدابنده تولید سکه‌های شیر و خورشید را ادامه دادند که در برخی از آن‌ها خورشید کامل و در برخی نیم‌دایره و به پشت شیر چسبیده است (کسروی، ٢٥٣٦، ١٠٦).

نظریه‌ای دیگر نیز صورت فلکی شیر و خصوصیات ویژهٔ منطبق با نشانه‌های ستاره‌ای آن، یعنی خورشید را مطرح می‌سازد (بیکرمن و ویلی، ١٣٨٤، ٥٤). اما آنچه مسلّم است، ترکیب تصویر شیر با نشانهٔ ستاره‌ای یا چلیپا، سابقهٔ دیرینه‌ای در ایران دارد که البته این نظریه در مبحث احکام کیهان و نجوم، اقالیم سوم و چهارم مورد بررسی قرار گرفت. حال بااینکه می‌دانیم فارس در اقلیم سوم است و قاعدتاً باید نماد شیر و گاو/ گرفت و گیر را مورد استفاده قرار دهد، چرا نقش شیر و خورشید اقلیم چهارم (دیگر نقاط ایران) در فرش‌های فارس نفوذ کرده است؟

نوشتارهایی که در رابطه با نقش شیر و گاو/ گرفت و گیر موجودند، از این نماد، تعبیری چون تابستان بعد از زمستان، اعتدال ربیعی یا سال نو داشته‌اند (پوپ و اکرمن، ١٣٨٧، ٩٩١)؛ درصورتی‌که با توجه به معانی نمادین شیر و گاو و ارتباطشان با معانی کیهانی، صور فلکی و مضامین دین مزدیسنا، تعبیر متفاوتی از الگوی شیر و گاو/ گرفت و گیر می‌توان برداشت کرد. شیر و گاو به‌عنوان الگوی اولیه و بومی فارس برای نقوش فرش‌های شیری فارس است. این نقش به نحوی نشان‌دهندهٔ تقویم و پنج جشن از جشن‌های آفرینش می‌باشد. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌گردد که تقویم خراجی را مورد بررسی قرار دهیم. تنها آخرین گهنبار (جشن آفرینش انسان) است که در پنج روز آخر سال (کبیسه) برگزار می‌شده و دارای نمادپردازی نیست؛ چراکه به شهادت تاریخ، ادوار بسیاری در ایران، کبیسه را در گاه‌شماری‌های خویش محسوب نکردند. علاوه بر آن، در این پنج روز، هیچ‌گونه محصولی برداشت نمی‌شد و زمان خراج نبوده است. از این بابت می‌توان گفت مفهوم قالی‌های شیری فارس، هیچ ارتباطی به پیامبران و مقدسان ندارد. تنها تقویم و زمان‌های برداشت محصول و خراج را نشان می‌دهد. شواهد و مدارک تاریخی دال بر این است که در فارس، دقیق‌ترین زیج (گاه‌شماری) موجود بوده که به زیج اشرافی شهرت داشته است. در این زیج ترتیب و طول ماه‌های یزدگردی صحیح بوده است. این تقویم همان تقویم اصلی خراجی بوده که تا اوایل دورهٔ اسلامی و پیش از آن رواج داشته است. اما پس از آنکه تقویم قمری، مورد استفادهٔ حکام اسلامی قرار گرفت، سال با کاستی روزها مواجه شد و این بود که زمان دریافت خراج‌ها (تقویم خراجی: بر اساس چهره‌های گهنبار/ زمان برداشت محصول تنظیم شده بود) با زمان برداشت محصول همخوانی نداشت؛ ازاین‌روی، کشاورزان برای پرداخت خراج سالیانهٔ خود با مشکل مواجه می‌شدند (عبداللهی، ١٣٦١، ٤٩). از این بابت طبیعی است که تا زمانی که تقویم خراجی و زیج صحیح در فارس موجود بوده است، تنها به تصویر شیر و گاو که انتهای تابستان بزرگ

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ٢٧
بهار و تابستان ١٣٩٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

و آغاز زمســـتان بزرگ را نشـــان می‌دهد (میانهٔ سال کشاورزی، ۷ ماه تابستان بزرگ و ۵ ماه زمستان بزرگ) اکتفا می‌کردند؛ اما پس از آن و در ادوار اســـلامی، به جهت اســـتفاده از تقویم قمری، کشاورزان با مشکل مواجه می‌شـــدند و نمادهای شیری به همراه خورشید یا شمشـــیر بر صحنهٔ فرش‌های فارس جلوه‌گر شـــده است. این نمادپردازی‌ها، به جهت یادآوری فصل‌های برداشت که در قالب جشن‌های آفرینش نظام یافته‌اند، شـــکل گرفته‌اند. با توجه به جدول شمارهٔ ٤، می‌توان هر دوره از گهنبار را در قالب شـــیر مهر یا شیر ناهید در ترکیب بـــا گاو مهر یا گاو ناهیـــد در نظر گرفت. خورشـــیدی یا آبی، روز یا شبی بودن هرکدام اهمیت فراوان دارد.

الف. شـــیر مهری و گاو تیر: گهنبار میدیوشهم گاه (آفرینش آب)، میان تابستان بزرگ، تیرماه. از روز «خور» به معنای خورشـــید/ مهر شروع می‌شود تا روز دی به مهر ادامه دارد.

نماد: شـــیر و خورشـــید کامل [به نشانهٔ اوج گرما در میانهٔ تابستان] با خنجر تصویر می‌شود. این گهنبار دقیقاً بعد از جشن تیرگان [۷] قرار دارد. در این تصویر به جهت آنکه شـــیر مهری، روزی است و گاو تیر هم روزی است (در این زمان از سال روز به طولانی‌ترین شکل خود می‌رسد و شـــب، کوتاه می‌شود)، خنجر/ شمشیر در دست شـــیر مهری قرار می‌گیرد؛ به جهت آنکه ۱. روز طولانی است و در تیرماه، خورشید به اوج گرمای خود می‌رسد، بنابراین گاو تیر حذف می‌شود. [با درنظرگرفتن اسطورهٔ کشته‌شدن گاو به دست شیر مهری، می‌توان گفت که چون گاو به دست شیر مهری و با خنجر مهری کشـــته شده است، یا به جهت آنکه خورشـــید و تیر دارای مدار یک‌ســـاله هستند و تیر، درخشان‌ترین ســـتاره است، خورشید کامل، نقش تیر را هم به عهده گرفته است. ازاین‌روی، گاو تیر حذف شده]؛ ۲. حضور خورشید کامل بر پشت شیر، تداعیگر اولین روز آغاز این گهنبـــار، روز «خور» و جایگزین چلیپا (صورت نمادین خورشـــید) می‌باشد (تصویر ۳ و ٤).





تصویر ۳ و ۴. شیر مهری به همراه خورشید کامل با خنجر یا شمشیر. بخشی از فرش شیری فارس، مجموعهٔ خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

ب. شیر مهری و گاو بهرام [۸]: گهنبار میدیاریم گاه (آفرینش جانوران)، میان زمستان بزرگ، دی‌ماه. از روز مهر شـــروع می‌شود و تا روز بهرام/ ورهرام ادامه می‌یابد.

نماد: شیر و خورشـــید نیمه [به این علت که ایزد بهرام، ایزد شبی است و با کامل‌بودن خورشید مغایرت دارد] با خنجر مهری در دست شیر به نشانهٔ جنگ [۹] یـــا بدون خنجر دیده می‌شـــود (تصویر ۵ و ٦). نقش چلیپا بر بدن شـــیر مهری، جایگزین شیر و خورشید نیمه با خنجر/ شمشـــیر است (تصویر ۵ و ٦). معمولاً تعداد چلیپاها، پنج عدد اســـت تا نمایندهٔ پنجمین ماه سال (مرداد) و ستارهٔ برج مرداد (خورشید) باشد.

در این گهنبار، شـــیر روزی مهر بر گاو شبی بهرام پیروز می‌شـــود و به این علت است که در این زمان از سال، شب کوتاه می‌شود و به طول روز افزوده می‌گردد. سرمای بســـیار در این بخش از سال حکم‌فرماست و بنابراین، خوانش ایزدان خورشـــیدی برای گرم‌کردن زمین و یخ‌نزدن محصولات در تقویم کشـــاورزی، به همراه کمک به جانوران در تقویم دام‌پروری، ضروری می‌باشـــد؛ لذا خنجر ۱. در زمـــان جنگ [۱۰] تصویر می‌شود و تأکیدی اســـت بر مبارزهٔ ایزدان خورشیدی با ســـرمای بی‌امان میانهٔ زمســـتان بزرگ؛ ۲. خنجر و پیروزی وجه مشـــترک مهر و بهرام اســـت و گاو به سبب خنجر در نماد کشته‌شدن گاو با خنجر ایزد مهر از تصویـــر حذف می‌گردد؛ ۳. اگر شـــیر دارای نقش چلیپای مهری نباشد، خنجر به قرینهٔ نماد دیگر مهری، جایگزین می‌شود (همانند تصویر ٦).



تصویر ۵ و ۶. شیر به همراه خورشید نیمه که البته فقط در تصویر شمارهٔ ۶ شمشیر وجود دارد. بخشی از فرش شیری فارس، مجموعهٔ خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

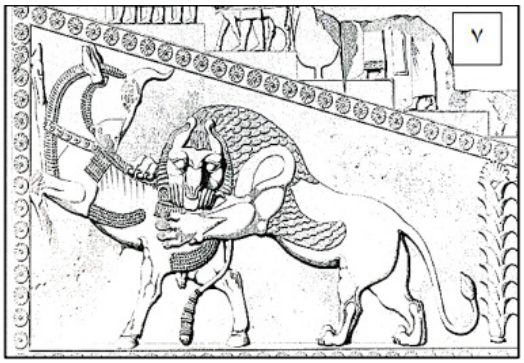
بر پشت شـــیر مهری در تصویر شـــمارهٔ ۵، پنج علامت چلیپا به نشانهٔ همخوانی ماه پنجم سال (مرداد) با فرم خورشید وجود دارد (نماد اقلیم چهارم که البته فارس، در اقلیم سوم قرار دارد).

ج. شیر ناهید و گاو تیر [۱۱]: گهنبار ایاسرم گاه (آفرینش گیاه)، اتمام تابستان بزرگ و شروع زمستان بزرگ. در واقع به دلیل اینکه پنج ماه زمســـتان و هفت ماه تابستان بود، به گونه‌ای میان سال زراعی محسوب می‌شـــد، مهرماه (آغاز بارش موسمی و اعتدال آب و هوایی/ اعتدال خریفی. ناهید، ایزد آبی و خورشیدی، و تیر ایزد آبی است).

نماد: شـــیر و گاو [چون شیر ناهید علامت ندارد (بدون چلیپا)، به همان صورت شیر و گاو تخت‌جمشید نشان داده می‌شود] (تصویر ۸ و ۹).

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]



تصویر ۷. شیر گاواوژن/ گرفت و گیر، نقش‌برجستهٔ پلکان شرقی آپادانا.



تصویر ۸. شیر گاواوژن/ گرفت و گیر، بخشی از فرش درختی حیوان‌دار، اواسط قرن چهاردهم، ۵۰ رج، ۲۱۰* ۱۴۰ سانتی‌متر، موزهٔ فرش ایران، تهران (منبع: نگارنده)



تصویر ۹. طاووس مرغ آناهیتاست. (موسوی‌لر، ۱۳۸۹: ۱۱۸) و طبری نیز به آتشکده‌ها و معابد ناهید در دیانت زرتشتی که تا قرن سوم هجری (صدر اسلام)، باقی بوده‌اند، اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: در نزدیکی آتشکده‌ی بخارا مکان خاصی برای نگهداری طاووس‌ها اختصاص داده شده بود و در آنجا از طاووس‌ها نگهداری می‌کردند. (M. Golfer, 1986: P. 131)

چون در آفرینش گیاه، شیر ناهید باید حضور داشته باشد، از این بابت حضور طاووس/ نماد ناهید کنار شیر ناهید قرار دارد و گل در قسمت پایین تصویر، نماد آفرینش گیاه می‌باشد. مشخصات تصویر: فرش شیری فارس، مجموعه‌ی خصوصی آقای محسن جوانمردی، (منبع: نگارنده)

د. شـــیر ناهید و گاو بهرام: گهنبار پیته‌شهم گاه (آفرینش زمین)، دقیقاً میان ســـال (۳۶۰ روز ســـال + ۵ روز کبیســـه = ۳۶۵ روز که به جهت حذف کبیسه، تنها ۳۶۰ روز محاســـبه می‌گردیـــده و این گهنبار در صدوهشتادمین روز سال برگزار می‌شود)، شهریورماه.

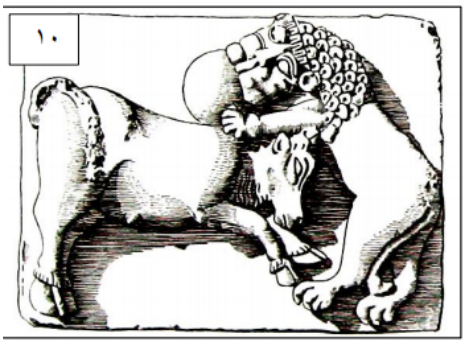
نماد فرش شیری: شـــیر ناهید در اندازهٔ بزرگ‌تر در پشـــت سر گاو/ بز بهرام (به این دلیل بز را انتخاب می‌کنند که با گاو تیر اشـــتباه نشود، چراکه نماد گاو، میان تیر و بهرام مشـــترک می‌باشد؛ بنابراین بافندگان، نزدیک‌تریـــن نماد به گاو، یعنی بز را که یکی دیگر از تجسدهای ایزد بهرام است، در نظر می‌گیرند) (تصویر ۱۱).

قرص موجود در دهان شیر ناهید، تغییر شکل یافتهٔ ستارهٔ هشـــت‌پر ناهید است [۱۲] که مابین دهان شیر ناهید و پشـــت گاو بهرام قرار دارد. اما از جهتی چون شیر ناهید آبی هم هست، این تصویر نویدبخش، آغاز

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

بارندگی یا خنک‌شـــدن هوا در آیندهٔ نزدیک می‌باشد. با توجه به تصویر شـــمارهٔ ۱۰ (گاو بهرام)، در قیاس با تصویر شـــمارهٔ ۷ (گاو تیر)، حالت تهاجمی‌تری به شـــیر ناهید دارد؛ گویا تأکیدی است بر مقاومت گرما و خورشید توسط ایزد خورشیدی بهرام؛ چراکه طبق تقویم ایرانی، هنوز یک ماه تا انتهای تابســـتان بزرگ باقی مانده است.

چون شـــیر ناهید علامت ندارد، به همان صورت شیر و گاو نشان داده می‌شود، اما ستارهٔ ناهید (زهره) به‌صورت گوی گرد در دهان شـــیر بر نقش‌برجســـتهٔ ساسانی ظهور می‌یابد (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. تندیس شیر در حال نبرد با گاو (شیراوژن/ گرفت و گیر)، در گچ‌بری دیوار کاخ ساسانیان نزدیک کیش، متعلق به موزهٔ پنسیلوانیا (منبع: پوپ و اکرمن، ۱۳۸۷، ۷۲۷)



در این تصویر، علامت چلیپا به نشانهٔ حضور ایزدان خورشیدی (ناهید و بهرام) در کل پس‌زمینهٔ تصویر وجود دارد؛ اما بر بدن شیر، چون شیر ناهیدی است و نه مهری، علامت چلیپا وجود ندارد. علاوه بر آن، به‌جای گاو بهرام، چیزی شبیه به بز طراحی شده است. در «بهرام‌یشت» فرشتهٔ بهرام به ده گونه: باد تند، گاو ورزا، اسب سفید، شتر سرمست، گراز نر، جوان پانزده‌سالهٔ فروغمند، شاهین بلندپرواز، میش یا گوزن پیچیده‌شاخ، بز زیبا، مرد دلیر رایومند، خود را به زرتشت نمایانده است (بهرام‌یشت، بند ۱۹)؛ پس در اینجا حضور بهرام در قالب بز که نزدیک‌ترین نماد به گاو است، ظهور یافته. شیر ناهید بزرگ‌تر ترسیم شده است که نویدبخش آغاز باران در آیندهٔ نزدیک است. طاووس نماد ناهید است که به همراه ستارهٔ هشت‌پر ناهید (زهره) به نشان حمایت از شیر ناهید بر زیر پای شیر ترسیم شده است.

تصویر ۱۱. بخشی از فرش شیری فارس، مجموعهٔ خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹۴

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

هـ. گهنبار میدیوزرم گاه (آفرینش آسمان): میان بهار یا آغاز گرما و تابستان بزرگ، اردیبهشت‌ماه، چهل‌وپنجمین روز سال.

نماد: شیر، به جهت اینکه از روز «خور» شروع می‌شود و تا روز دی به مهر ادامه می‌یابد. در وصف واژهٔ «دی» و «خور» آمده است: روز یازدهم هر ماه، خیر یا خور روز است و به نام خورشید موسوم است. به قول بیرونی، دی که نام ماه دهم هر سال است، «خور ماه» نیز نامیده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸٦، ۳۳۸)؛ بنابراین، شروع گهنبار میدیوزرم گاه (آفرینش آسمان)، در روز خور (خورشید) و انتهای آن نیز در روز خورشید مهری (دی به مهر) است. علاوه بر آن، به جهت آنکه خورشید در دیانت زرتشتیان بلندمرتبه‌ترین جایگاه را در آسمان داراست، شیر مهری به تنهایی یا به همراه خنجر مهری یا شیر و خورشید (خورشید، خلاصه‌شدهٔ علامت چلیپاست که از ران شیر به بالای آن صعود کرده است [۱۲]) به نماد آفرینش آسمان بر فرش‌ها دیده می‌شود (تصاویر ۱۲ تا ۱۵).



تصویر ۱۲. جام زرین کلاردشت، مازندران، نیمهٔ نخست هزاره اول پ.م، قطر دهانه داوازده سانتی‌متر، قطر کف ده سانتی‌متر، محل نگاهداری: موزه ملی ایران، (منبع: اکبرزاده، ۱۳۹۱: ۱۹)

در نمونه‌های بسیاری از آثار یافته شده، تصویر شیرانی موجودند که روی ران شیر علامت ستاره یا چلیپا قرار گرفته است. گیرشمن عقیده دارد، این نشان ویژه‌ای بود که بر حیواناتی که در باغ وحش شاه بزرگ نگهداری می شدند، داغ می‌کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۳۰۷) اگر علامت چلیپای منقور بر شیران، نشانه‌ی باغ وحش شاهی باشد؛ چگونه است که گاهی علامت چلیپا از بدن شیر جدا شده و به پشت وی رفته است؟ معادل تصویر شماره‌ی دوازده (به لحاظ جایگاه قرار گیری چلیپا) را می‌توان در تصویر شماره‌ی پنج فرش فارس با پنج چلیپا بر پشت شیر، دید.



تصویر۱۳. نقش شیر بر بشقاب، ری، سده چهارم. بشقاب لعابداری مربوط به سده چهارم هجری در شهرری بدست آمده است که بر روی آن پیکرهٔ شیری نقش شده که دم پشم آلود و دست راست خود را بلند کرده است و بر بالای نقش شیر نزدیک سر جانور، نگاره‌ای دیده می‌شود نقش چلیپاست که شاخه‌های آن به داخل پیچانده شده است. (بختورتاش، مرداد و شهریور ۱۳۵۱: ۸۷)

معادل تصویر شمارهٔ سیزده (به لحاظ جایگاه قرار گیری چلیپا) را می توان در تصویر شمارهٔ یازده فرش فارس با نقش چلیپا بر زمینهٔ فرش، جایی که شیر ایستاده است، دید.

و. به دلیل ناپایداری کبیسه در تقویم پیش و پس از اسلام: برای گهنبار همس پت میدیم گاه (آفرینش انسان و برابری روز و شب)، نمادپردازی نشده است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]





تصویر ۱۴ و ۱۵. شیر تنها و شیری با شمشیر. فرش شیری فارس، مجموعهٔ خصوصی آقای محسن جوانمردی (منبع: نگارنده)



شیر هم نماد مهر است و هم ناهید، گاو هم نماد تیر است و هم بهرام. از جهتی چون در این مجسمه مقدار بدن شیر و بدن گاو با هم برابر و یکسان است، از این روی می‌توان برابری شب و روز را استنباط نمود و گاه آفرینش انسان در نظر گرفت.

تصویر۱۶. موجودی با یک بدن و دو سرِ گاو و شیر، موجود ترکیبی شیر و گاو، از جنس برنز، قدمت: ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش، محل نگهداری: موزهٔ هنر کلیولند. (منبع تصویری: http://jashnhaz.blogfa.com/1390/10)

هر دو جدول ذیل، خلاصه‌شدهٔ مبحث شیر در فرش فارس است.

جدول۶

	آفرینش آب	آفرینش جانوران	آفرینش گیاه	آفرینش زمین	آفرینش آسمان	آفرینش انسان
شیر مهر	*	*			*	*
شیر ناهید			*	*		*
گاو تیر	*		*			*
گاو بهرام		*		*		*

(منبع: نگارنده)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

جدول ۷

	آفرینش آب	آفرینش جانوران	آفرینش گیاه	آفرینش زمین	آفرینش آسمان	آفرینش انسان
پیش از اسلام با تقویم صحیح کبیسه‌دار	شیر مهر و گاو تیر	شیر مهر و گاو بهرام	شیر ناهید و گاو تیر	شیر ناهید و گاو بهرام	شیر مهر با چلیپا	شیر (مهر یا ناهید) و گاو (تیر یا بهرام)
ادوار اسلامی برطبق تقویم قمری یا حذف کبیسه در فرش فارس	شیر و خورشید	شیر و خورشید	شیر و گاو	شیر و گاو	شیر و خورشید	–
	شیر و خورشید کامل با شمشیر	شیر و خورشید نیمه (با شمشیر یا بدون آن)	دو شیر روبه‌روی هم، به همراه نماد ناهید	شیر بزرگ‌تر، پشت گاو/ بز و چلیپا (خورشید) در پس‌زمینه	شیر تنها (با شمشیر یا بدون آن)	بدون نماد، به جهت حذف کبیسه

(منبع: نگارنده)



چهارمین ماه از دوازده ماه سال به تیر موسوم است. تیر (عطارد) ایزد آبی و یاور ناهید است که در کوزهٔ آب قرار دارد و دستهایش را بالا آورده تا شیر ناهید و گاو بهرام را از ایزد خورشیدی بهرام (به نشانهٔ تأکید و مداومت گرما) بگیرد. از آنجا که شیر ناهید و گاو بهرام نماد گهنبار پیتهٔشهیم‌گاه (آفرینش زمین) است و در شهریور ماه برگزار می‌گردد؛ لذا، حضور ایزد تیر/ عطارد برای دریافت شیر ناهید و گاو بهرام، بیانگر انتقال شهریور ماه و گهنبار پیته‌شهیم‌گاه (آفرینش زمین) به مهر ماه و برگزاری گهنبار ایاسرم‌گاه (آفرینش گیاه) می‌باشد. به نحوی که گاو بهرام، جای خود را با گاو تیر عوض می‌کند. با مقایسه‌ی تصویر شماره‌ی هفت با تصویر فوق، متوجه می‌شویم که همان حالت شیر و گاو تخت‌جمشید و قرار گرفتن پشت گاو در دهان شیر، در تصویر حاکم است. در واقع گهنبار پیته–شهیم‌گاه (آفرینش زمین)، دقیقاً در میانه‌ی سال قرار دارد [بدون احتساب کبیسه] و گهنبار ایاسرم‌گاه (آفرینش گیاه) نیز در میانه‌ی سال در تقویم کشاورزی (پایان تابستان بزرگ و شروع زمستان بزرگ) قرار دارد.

تصویر۱۷. بشقاب ساسانی با نقش خان چهارم بهرام از جنس نقرهٔ زراندود، از زمان سدهٔ پنجم تا هفتم میلادی، و در کلکسیون آقای جورج اورتیز نگهداری می‌شود. نقش این بشقاب خان چهارم از خان های دوازده گانه را نشان می‌دهد. (منبع تصویری: http://jashnhaz.blogfa.com/1390/10)

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

کبیسه و گهنبار همس پت میدیم گاه

کبیسهٔ پایان سال که در فارسی پنجه وه و در پهلوی بهیزک یا هیجک نام داده بودند تا ترتیب روزهای ماه و ماه‌های سال به هم نخورد (آبادانی، ۱۳۵۷، ۱۲۹)؛ ولیکن گاه‌شماری‌ای که در قرون نخست اسلامی به‌منظور گردآوری مالیات به کار می‌رفته است، یک گاه‌شماری قمری بوده که همین شیوه بعدها تقویم رسمی برای امور دنیوی و دینی در نظر گرفته شد (عبداللهی، ۱۳٦۱، ٤۲).

در دورهٔ اسلامی هیچ‌گاه کبیسه‌ها اجرا نشد و درنتیجه، نوروز و سال به سبب عدم محاسبهٔ کبیسه نسبت به فصول، سیر قهقرایی پیدا کرد (عبداللهی، ۱۳۸۷، ۲٤۳)؛ به‌طوری‌که در اواخر سدهٔ سوم هجری، زمان وصول خراج (تابستان تقویمی) بر زمان کشت محصول (بهار واقعی) منطبق شد (رضازاده، ۱۳۸۰، ۷۵). به دلیل اینکه کبیسه را در ادوار اسلامی حذف کردند، گاه آفرینش انسان در نمادپردازی‌ها باقی نمانده است.

البته در ادوار پیش از اسلام نیز دستوراتی راجع به کبیسه آمده است که بر حذف‌کردن کبیسه از آخر هر سال گواهی می‌دهد.

«اگر وقت کبیسه مملکت مغشوش (در جنگ) بود، از انجام آن صرف نظر می‌کردند و می‌گذاشتند تا دو ماه تمام شود و یکباره دو ماه را در دفعهٔ دوم کبیسه می‌کردند یا کبیسه را پیش می‌انداختند؛ چنان‌که در زمان یزدگرد ابن شاهپور (۳۹۹–٤۲۰م) چنین کردند؛ یک سال سیزده‌ماهی گرفتند و آن آخرین کبیسه‌ای بود که در دولت پارسیان انجام گرفت» (بیرونی، ۱۳۷۷، ۷۲). یک بار دیگر نیز در زمان سلطان جلال‌الدین ملکشاه، نوروز به جای اصلی خود بازگشت و آن تاریخ جلالی است. از آن تاریخ به بعد دیگر کبیسه انجام نگرفت و نتیجه این شد که امروز سه تاریخ مختلف در میان زرتشتیان پیروی می‌شود و روشن است که جای اعیاد مذهبی و گهنبارها تغییر می‌کند (خرده‌اوستا، ۱۳۱۰، ۲۲۲)؛ ازاین‌روی به سبب آنکه کبیسه در تقویم ایرانی و در مرور زمان (چه پیش از اسلام و چه پس از آن) گاهی حذف و از درجهٔ اهمیت ساقط گردید، در نمادپردازی‌های نجومی جشن‌های آفرینش (گهنبارها) به‌عنوان نماد آفرینش انسان، به نمادپردازی‌های قالیچه‌های شیری فارس راه نیافت.

■ نتیجه‌گیری

غالب فرش‌های شیری فارس در پنج صورت نظام یافته‌اند: الف. شیر با خورشید کامل و شمشیری در دست؛ ب. شیر با خورشید نیمه [با شمشیر یا بدون آن]؛ ج. دو شیر در مقابل یکدیگر به همراه نمادی از ناهید؛ د. شیر بزرگ‌تر از گاو یا بز، قرارگرفته در پشت سر وی؛ هـ. شیر تنها با شمشیر یا بدون آن. شیرهای این فرش‌ها گاهی با شمشیر تجسم یافته‌اند و گاهی بدون آن. شمشیر نمادی از جنگ است و ترسیم آن در دست شیرها، نمادی از جنگاوری و دلاوری می‌باشد که این صفات با توصیف ایزد بهرام و مهر همسانی تام دارد. پنج نماد موجود در فرش‌های شیری فارس، به سبب ترکیب ایزدان و ایزدبانوان در فرهنگ کهن دینی ایران است و ریشه در جشن‌های آفرینش و هنگام برداشت محصول یا کوچ عشایر دارد. زمان کوچ عشایر (چهل‌وپنجمین روز از سال: جشن آفرینش آسمان/ اردیبهشت‌ماه و دویست‌ودهمین روز از سال: جشن آفرینش گیاه/ مهرماه) و هنگامهٔ کاشت یا برداشت محصول (تمامی جشن‌های آفرینش، به‌جز آفرینش انسان) که به لحاظ زمانی مطابق با زندگی کشاورزی و دام‌پروری است. تنها گاه آفرینش انسان است که در زمان کبیسه قرار دارد و در اُفت‌وخیزهای تاریخی ایران مکرراً از تقویم ایرانی حذف یا به آن افزوده گردیده. علاوه بر آن، چون این پنج روز، زمان مناسبی برای کشاورزی یا کوچ نیست، از این بابت

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

در تقویم جایگاه ناپایداری داشته و نمادی در فرش‌های شیری فارس به آن اختصاص ندارد. اصل و بنیاد طرح‌های شیری فارس، با توجه به صور فلکی اقلیم سوم (فارس) شکل گرفته و در قالب تصویری شیر و گاو قابل شناسایی است. اما نقش شیر و خورشید به اقلیم چهارم (دیگر نقاط ایران) تعلق دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نقش شیر و گاو، از فارس به نواحی دیگر صادر گردیده و نقش شیر و خورشید از نواحی دیگر به فرش فارس ورود یافته است. اما همین نقش شیر و خورشید است که مطابق با الگوی کیهانی شیر و گاو فارس، به‌صورت یک نماد تصویری اصیل بر بدنهٔ فرش‌های شیری فارس حلول یافته است. یکی از دلایلی که شیر و گاو را مادر نقش‌های شیر و خورشید فارس معرفی می‌کند، درنظرگرفتن تعابیری چون شیر خدا (اسدالله) به حضرت علی(ع) یا ارتباط شیر با حضرت سلیمان(ع) و دانیال نبی(ع) است؛ درصورتی‌که به دلیل حفظ حرمت بزرگان دینی و تناقض آن با پاخوربودن فرش، پذیرش چنین تعابیری برای نقش شیر و خورشید فرش فارس ناممکن است؛ لذا یادآوری زمان کاشت و کوچ برای تقویم کشاورزی و دام‌پروی در قالب جشن‌های آفرینش، تعبیر معقول‌تری برای نقش قالی‌های شیری فارس می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. همچنین در وجه اشتراک و مشابهت: این است که به روایت بیرونی مریخ و زهره شبی‌اند (بیرونی، ۱۳۱۶–۱۳۱۸، ۳۵۹) و عطارد، هم روزی و هم شبی است (یاحقی، ۱۳۸٦، ٤۳۷).

۲. به دلیل اینکه زهره در مقام ستاره است و به جهت طبقه‌بندی‌های آسمان در دیانت زرتشتی (ستاره، ماه، خورشید) در پست‌ترین مرحلهٔ اهمیت در آسمان قرار دارد (یاحقی، ۱۳۸٦، ٤۵)، در هنر عصر هخامنشیان و به طور کلی هنر ایران تصویر نمی‌شده و فقط نماد زمینی آن، شیر بدون چلیپا، نمایندهٔ حضور زهره (ناهید) است. اما در تمدن‌های کهن، زهره در کنار ماه و خورشید به‌صورت ستارهٔ هشت‌پر ترسیم می‌شده است.

۳. پیدایش احکام نجوم در دوران زرتشت نضج گرفته است (صادقی، ۱۳۸٤، ۱۲۸).

٤. در بالای کواکب هفت‌گانه (هفت‌اقلیم)، یعنی در فلک هشتم، ستارگان بر روی کمربندی که نسبت به صفحهٔ استوای جهانی اندکی تمایل دارد گردش می‌کنند. این کمربند را ستاره‌شناسان باستان، منطقةالبروج نامیده‌اند. منطقةالبروج به دوازده برج تقسیم می‌شد که نام برج چهارم/ خرچنگ (سرطان): ۷ ستاره و برج پنجم/ شیر (اسد): ۲۰ ستاره (صادقی، ۱۳۸٤، ۱۳٤ و ۱۳۵).

۵. خورشید با شیر، همبستگی (ارتباط) بسیار سستی دارد و آن اینکه پنجمین از دوازده برج آسمان، شیر (اسد) است و ویژهٔ خورشید (کسروی، ۲۵۳٦، ۱۰۳).

٦. نسبت‌دادن روایاتی از برخوردهای حضرت علی(ع) و شیر، مناسب‌ترین موقعیت را برای شبیه‌سازی شیر و شیر خدا (حضرت علی(ع)) و زنده‌کردن این سنت به وجود آورده است. در دشت ارژن فارس، بقعهٔ کوچکی هست که آن را قدمگاه حضرت علی(ع) می‌دانند و به آن شاه‌سلمان می‌گویند و بااینکه حضرت علی(ع) هرگز به ایران نیامده‌اند، به‌خاطر ارادت خاصی که مردم ایران به ایشان دارند، داستان گرفتارشدن سلمان فارسی به شیر و هویداشدن حضرت علی(ع) و نجات او را در همین محل می‌دانند (تناولی، ۲۵۳۷، ۲٦). دشت ارژن در منطقهٔ کوهمرهٔ فارس ـ مابین کازرون و شیراز ـ را یکی از مناطقی دانسته‌اند که احتمالاً سلمان بدان منسوب بوده است (فسایی، ۱۳۸۸، ٦۷۰؛ ۱٤۳۷ و ۱٤٦٦). داستان گرفتار شیر شدن سلمان در دشت ارژن و یاری‌دادن امام علی(ع) به او از داستان‌های مشهور در متون فارسی است. می‌گویند هنگامی که سلمان در آغاز کار برای یافتن پیامبر(ص) از زادگاه خود، کازرون بیرون آمد، در دشت ارژن با شیری درنده روبه‌رو شد. درست در لحظه‌ای که سلمان از جان و زندگی خود قطع امید کرده بود، سواری از دور پیدا شد و او را از خطر نجات بخشید. سلمان سال‌ها (بلکه قرن‌ها) بعد به این راز پی می‌برد که سوار اسرارآمیز کسی نبوده است، جز امام علی(ع) (ترکی، ۱۳۸۷، ۲۷۱). این روایت داستانی که در قرن‌های هفتم و هشتم رایج بوده، مورد انکار شماری از عالمان بوده، اما کسانی مانند رجب برسی آن را در مشارق‌الانوار نقل و از آن دفاع کرده است (مجیب مصری، ۱۳۷۳، ۲۲٦).

۷. در این جشن، ایزد تیر/ تیشتر را به یاری می‌خوانند تا وی به باریدن باران کمک کند. روایت است که در زمان منوچهر، شاه پیشدادی، چون افراسیاب تورانی بر منوچهر پیروز شد و او را در طبرستان محاصره نمود، طرفین حاضر به سازش شده و قرار بر این شد که از قلهٔ دماوند، آرش جوان تیری به چلهٔ کمان نهد و آن را پرتاب نماید. این تیر در کنار رودخانهٔ جیحون بر درختی نشست و مرز ایران و توران مشخص شد. داستان دیگری نیز

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

دربارهٔ جشن تیرگان آمده است که در زمان ساسانیان و پادشاهی فیـــروز، هفت ســـال در ایران خشکســـالی روی داد و در چنین روزی مـــردم روی به بیابان آوردند و با نیایش خود از پروردگار آرزوی باریدن باران کردند و پس از آن بارش باران شـــروع شد. به شـــادی آن در چنین روزی ایرانیان به یکدیگر آب می‌پاشـــند (تقویم زرتشتیان ایران، ۱۳۹۳، ٤). در این جشن به اصل ستایش و بزرگداشت عنصر آب و ایزد تیر توجه می‌شود (یاحقی، ۱۳۸٦، ۲٦٦).

۸. بهرام دوســـت نزدیک مهر، خدای خورشـــید است (پوپ و اکرمن، فصل ۳٦: ۱۳۸۷، ۱۰۰٤).

۹. نبرد شـــیر بـــا گاو در نقوش گرفت و گیـــر را می‌توان معرف اســـطورهٔ کهـــن نبرد مهر بـــا گاو و دریـــدن آن و آوردن برکت دانســـت که این نقش موضوع اساسی در نگاره‌های مهری است (باقـــری، ۱۳۸۵، ۱٦۰)؛ در نقوش بازمانده از آیین میترا نیز بارها به ارتباط نزدیک شـــیر با ایزد مهر و ارتباط شیر با سر بریدهٔ گاو برمی‌خوریم. شیر در این مسلک اهمیت و اعتبار خاصی داشته و بیشترین قرابت را با میترا دارد (پیشین، ۱۷۳).

۱۰. جنگ و پیروزی، نماد بهرام اســـت و در سراسر بهرام‌یشت به آن اشـــاره شده است. جنگاوری، وجه مشـــترک ایزد بهرام و مهر اســـت (حصوری، ۱۳۵٤، ٦۲). علاوه بر آن، خنجر/ شمشیر در قالیچه‌های موســـوم به شیری، نمادی از مرد خانواده است که به ســـفر یا جنگ رفته و اســـتفاده از این قالیچه‌ها در خانه بیانگر حضور معنوی و دائمی مرد خانواده اســـت (موســـوی‌لر، ۱۳۸۹، ۱۱۵). ایـــن بافته‌ها را زنان، هنگامی کـــه مردها در حال جنگ و شکار بوده‌اند می‌بافته‌اند (صلواتی، ۱۳۸۷، ٤۰).

۱۱. از موضـــوع انطباق ناهید بر تیر، مفهوم اســـتعمال لفظ «تیر» در معنی پاییز برداشـــت می‌شود که اثر یک گاه‌شماری قدیمی را نشان می‌دهد و بدین ترتیب، خویشاوندی خدای باران از طریق کشاورزی با تیر، به‌خوبی روشن می‌شود (یاحقی، ۱۳۸٦، ۲٦۲ و ۲٦۳) [شیر ناهید و گاو تیر در فصل پاییز و مهرماه، گهنبار ایاسرم گاه را تشکیل می‌دهند].

۱۲. چلیپا نزد تیره‌هایی از مردم باستان نماد خورشید بوده است؛ اما ستارهٔ هشت‌پر زهره، در سده‌های پسین و دورهٔ تاریخی کم‌کم به چهرهٔ گوی بر پشت شیری که مظهر ناهید است، نمودار شده و روزگاری دیگر بر پیرامون گوی پرتوهایی آمده و آنگاه در درازای زمان، یکی از پایه‌های پیدایش نگارهٔ شـــیر و خورشید شده است (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۱٤۷).

فهرست منابع

- قرآن مجید، ترجمهٔ محمدمهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن‌الکریم.
- اوستا/ یشت‌ها: آبان‌یشت، بهرام‌یشت و رشن‌یشت (۱۳٤۷)، گزارش ابراهیم پورداوود، تهران، طهوری.
- خرده‌اوستا (۱۳۱۰ش)، تألیف استاد روانشاد پورداوود، چاپ بمبئی.
- آبادانی، فرهاد (مهر و آبان ۱۳۵۷)، تقویم در ایران پیش از اسلام، نشریه *بررسی‌های تاریخی*، شمارهٔ ۷۸.
- اخویان، مهدی و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، تحلیل رنگ هالهٔ مقدس در نقاشی دیواری بقاع متبرکهٔ ایران، گنجینهٔ پژوهش، تهران.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، *اسطوره، بیان نمادین*، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
- اکبرزاده، داریوش (۱۳۹۱)، *آثار زرین و سیمین ایران‌زمین*، نشر پازینه، تهران.
- باقری، مهری (۱۳۸۵)، *دین‌های ایران باستان*، قطره، تهران.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۸۰)، *نشان رازآمیز گردونهٔ خورشید یا گردونهٔ مهر*، فروهر، تهران.
- ---------- (۱۳۵۱)، گردونهٔ خورشید یا گردونهٔ مهر، مجلهٔ *بررسی‌های تاریخی*، شمارهٔ ٤۰، ص٦۵ تا ۱۰۰.
- بویس، مری (۱۳۸۱)، *آناهیتا*، ترجمهٔ زهرا باســـتی، سروش پیر مغان: یادنامهٔ جمشید سروشیان «مجموعهٔ مقالات»، به کوشش کتایون مزداپور، ثریا، تهران.
- بیکرمن، هیننگ و ویلی، هانتر و... (۱۳۸٤)، *علم در ایران و شرق باستان*، همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، نشر قطره، تهران.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷)، *آثارالباقیه*، ترجمهٔ اکبر داناسرشت، امیرکبیر، تهران.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۱٦–۱۳۱۸)، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، تصحیح جلال همایی، چاپخانهٔ مجلس، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و جهانبانی، روح‌انگیز (زمستان ۱۳۸۰ – بهار ۱۳۸۱)، هفت‌اقلیم، جغرافیا/ تحقیقات جغرافیایی، شمارهٔ ٦۳ و ٦٤، ص۱۲ تا ٦۱.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۱)، *دایرةالمعارف هنر*، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران.
- پرهام، سیروس (بهار ۱۳۷۸)، جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران، نشر دانش، سال شانزدهم، شمارهٔ ۱، ص٤۰ تا ٤۷.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۲۷
بهار و تابستان ۱۳۹٤

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

- پرهام، سیروس (۱۳۷۱)، *دست‌بافته‌های روستایی و عشایری فارس*، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- پوپ، آرتر و اکرمن، فیلیس (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمهٔ نجف دریابندری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ترکی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *پارسای پارسی*، علمی و فرهنگی، تهران.
- تقویم زرتشتیان ایران (۱۳۹۳)، *چاپخانهٔ راستی*، ایران، تهران.
- تناولی، پرویز (۲۵۳۷)، *قالیچه‌های شیری فارس*، ترجمهٔ سیروس پرهام، بنیاد شهبانو و سازمان جشن هنر، تهران.
- ثمودی، فرح (۱۳۸۷)، *ایزدبانوان در ایران باستان و هند*، آوَرن، تهران.
- جدّی، محمدجواد (۱۳۸۸)، *دانشنامهٔ مُهر و حکاکی در ایران*، با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و فرهنگستان هنر و مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی، تهران.
- جلیلوند صدفی، شیدا (۱۳۸۱)، *به سوی سرزمین بی‌بازگشت*، سروش پیر مغان: یادنامهٔ جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتایون مزداپور، ثریا، تهران.
- حصوری، علی (۱۳۵٤)، *اشاراتی به احکام نجوم در ایران پیش از اسلام*، انجمن فرهنگ ایران باستان، دورهٔ چهاردهم، شمارهٔ ۱۷، ص۵۹ تا ۷۲.
- داناسرشت، علی‌اکبر (شهریور ۱۳۵۰)، *ریاضیات ایران در عهد ساسانی*، شمارهٔ ۱۳، ص٦۷ تا ۷۱.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵)، *دین ایران باستان*، ترجمهٔ رؤیا منجم، چاپ اول، انتشارات فکر روز، تهران.
- رنه، فرانس و مارشاک، بوریس (۱۳۸۱)، *اسطورهٔ ننه در هنر سغد*، ترجمهٔ پریسا صمدی، سروش پیر مغان: یادنامهٔ جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتایون مزداپور، ثریا، تهران.
- رضازاده، ملک رحیم (۱۳۸۰)، *زیج ملک*، چاپ اول، انتشارات گلاب، تهران.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن (۱۳۸۷)، *فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیاها، رسوم و...*، ترجمه و تحقیق سودابه فضایلی، انتشارات جیحون، تهران.
- صادقی، ارژنگ (زمستان ۱۳۸٤)، *سابقهٔ پیشگویی رویدادهای طبیعی در ایران با استفاده از نجوم*، *ادبیات و زبان‌ها در مولوی‌پژوهی*، فصلنامهٔ دانشگاه تربیت‌معلم آذربایجان، سال دوم، شمارهٔ ٦، ص۱۲۵ تا ۱٤۵.
- صفی‌پور، علی (آذر و اسفند ۱۳۸۸)، *سنجهٔ هفته و گاه‌شماری ایران باستان*، معارف، شمارهٔ ٦۹، ص۳٤ تا ٦۱.
- صلواتی، مرجان (بهار ۱۳۸۷)، *تجلی نماد گردونهٔ خورشید «مهرانه» در قالی‌های ایل قشقایی*، گلجام، شمارهٔ ۹، ص۳۵ تا ٤۸.
- عابددوست، حسین و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (پاییز ۱۳۸۹)، *سیر تغییر و تحول تقویم در ایران و تحلیل نمادهای کهن گاه‌شماری ایرانی در تقویم‌های رقومی دورهٔ اسلامی*، نگره، شمارهٔ ۱٦، ص۵ تا ۱۷.
- طاهری، علیرضا و حسامی، وحیده (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، *تجلی نقش‌مایهٔ شیر در قالی‌های دورهٔ صفویه*، نشریهٔ پژوهش هنر، سال اول، شمارهٔ ۲، ص۱ تا ۱۵.
- عبداللهی، رضا (۱۳۸۷)، *تاریخ تاریخ در ایران*، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- عبداللهی، رضا (۱۳٦۱)، *تقویم خراجی*، نشریهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱، ص۳۷ تا ۵۸.
- فرشاد، مهدی (۱۳٦۵)، *تاریخ علم در ایران*، جلد اول، امیرکبیر، تهران.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷٤)، *ایرانویچ*، دانشگاه تهران، مؤسسهٔ انتشارات و چاپ، تهران.
- فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۸)، *فارسنامهٔ ناصری*، تصحیح و تحشیهٔ منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران.
- فلاح، سیمین (اردیبهشت ۱۳۸۲)، *تقویم ادیان: زرتشتیان*، نشریهٔ اخبار ادیان، شمارهٔ ۱، ص۵٦ تا ٦۱.
- قلعه‌خانی، گلناز (پاییز ۱۳۸۲)، *خورشید در اوستا*، در متون دورهٔ میانه و در هند، مجلهٔ مطالعات ایرانی، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی دانشگاه باهنر کرمان، سال دوم، شمارهٔ ٤، ص۱٦۹ تا ۱۹٤.
- کارنوی، ا. جی. (۱۳٤۱)، *اساطیر ایرانی*، ترجمهٔ احمد طباطبایی، چاپ اول، انتشارات اپیکو، تهران.
- کسروی، احمد (۲۵۳٦/ چاپ اول: ۱۳۵۲)، کاروند کسروی؛ *مجموعهٔ ۱۷ رساله و گفتار*، به کوشش یحیی ذکاء، شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین، تهران.
- گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، *هنر ایران (در دورهٔ پارتی و ساسانی)*، ترجمهٔ بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]

- گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، *هنر ایران (در دوران ماد و هخامنش)*، ترجمهٔ عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ماســـون، میخاییل یوگنیویچ و پوگاچنکووا، گالینا آناتولینا (تابستان ۱۳۸٤)، *ریتون‌های اشکانی نسا*، جلد دوم: تفسیر نقوش ریتون‌ها، ترجمهٔ رؤیا تاج‌بخش، شهرام حیدرآبادیان، انتشارات بازتاب اندیشه، همدان.
- مجیب مصری، حســـین (۱۳۷۳)، *سلمان فارســـی در ترازوی ادب و تحقیق*، ترجمهٔ حسین یوسفی آملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- محمودی، خیرالله (بهار ۱۳۸٤)، *جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان*، مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شمارهٔ ٤۲، ص۱٤۹-۱٦۲.
- مقدم، محمد (۱۳۸۸)، *جستاری دربارهٔ مهر و ناهید*، نشر هیرمند، تهران.
- موســـوی‌لر، اشرف‌السادات و رسولی، اعظم (تابســـتان ۱۳۸۹)، *بررسی نمودهای اساطیری خورشید و مهر در فرش دست‌باف ایران*، گلجام، شمارهٔ ۱٦، ص۱۱۱ تا ۱۳۱.
- نوری، احمد (بهمن و اسفند ۱۳۷۸)، *نشان شیر و خورشید*، فروهر، شمارهٔ ٤۳۱، ص۳٦ تا ۳۹.
- وارنر، رکس (۱۳۸٦)، *دانشنامهٔ اساطیر جهان*، ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور، اسطوره، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸٦)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، فرهنگ معاصر، تهران.
- M. Golfer, Jorgensen, (1986), *Medieval Islamic Symbolism and the painting in the Cefalù Cathedral*, Leiden, E. J. Brill.
- http://jashnhaz.blogfa.com/1390/1

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1394.11.27.3.9]